

متن پرسش

با سلام شما در کتاب کربلا مبارزه با پوچیها بحثی در مورد اربعین آورده اید و چند جای آن تصریح کردید که امام معصوم می فرمایند مومن پنج نشانه دارد که یکی از آن ها زیارت اربعین است و سپس این مطلب را شرح و بسط داده اید در حالی که این روایت خبر واحد است و یک حدیث بیشتر در مورد آن نیامده ضمن اینکه همین یک روایت هم بدون سند است (وسائل روایت ۱۹۶۴۳) در ضمن شبیه به همین روایت مجموعاً پنج روایت آمده که اولاً همگی سندا ضعیفند و ثانیاً در همه ی آن ها چهار نشانه آمده ولی به جای زیارت اربعین در آن روایات قنوت قبل از رکوع و... آمده در حالی که بقیه ی نشانه ها دقیقاً همان چهارتائی است که در روایت وسائل آمده (منبع روایات: مستدرک ج ۳ حدیث ۳۵۹۹-تفسیر البرهان ج ۴ ص ۶۰۰-بحار طبع بیروت ج ۸۲ ص ۷۹-در یکی دو کتاب دیگر نیز با همین اسناد آمده است) در روایتی که نشانه ها را ده عدد شمرده نیز زیارت اربعین نیامده ضمن اینکه آن روایت هم ضعیف است همچنین روایت ضعیف دیگری در وسائل ۱۹۶۴۴ که توصیه کرده در روز اربعین چگونه زیارت بخوانیم..... با همه ی این احوال سؤال این است که شما چرا قبل از اینکه صحت روایتی را بررسی کنید آن را صحیح تلقی کرده و شرح و توضیح می دهید ضمن اینکه این روایات روایات فقهی نیستند که توجیهاات خاص خود را داشته باشند.... بنده در نوشته ها و سخنان شما استناد به موارد ضعیف را دیده ام که به مرور خدمتتان عرض می کنم فعلاً می خواهم جواب شما را در این مورد ببینم.... البته توضیح روایات اربعین و نقد آن ها مفصل تر است که اینجا جای ذکر آن نیست... بسیار سپاسگزارم

متن پاسخ

- باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که می دانید، واحد بودن راوی خبر که موجب می شود خبر را «خبر واحد» بنامند طبق مبنای اکثر قریب به اتفاق علمای شیعه، ضروری به حجیت آن نمی زند؛ البته آن چه در مورد سند این حدیث فرموده اید درست است چرا که این حدیث، مرفوعه بوده و نمی توان آن را صحیح و یا موثق تلقی نمود ولی توجه به چند نکته در مورد این حدیث لازم است. یک: افرادی مثل مرحوم شیخ مفید در کتاب مزار، شیخ طوسی در مصباح المتعجل، محمد بن جعفر المشهدی در المزار الکبیر، ابن طاووس در اقبال به این حدیث اعتماد کرده اند. لطفاً توجه کنید که بحث از صرف نقل حدیث نیست و گرنه تهذیب و کافی و وسائل را نیز به حساب می آوریم ولی مسأله در این کتب، اعتماد به حدیث است و می بینیم که بر اساس همین حدیث «فضل زیارة الاربعین» را قائل

شده و حکم به استحباب آن نموده اند؛ مثلاً می بینیم که مرحوم شیخ مفید در این باب، تنها همین حدیث را ذکر نموده. دو: مرحوم شیخ طوسی در کتاب «مصباح المتهدج» این روایت را به لسان «قال» نقل نموده و می فرماید: «یستحب زیارته فیه و هی زیاره الاربعین، فروی عن ابی محمد العسکری علیه السلام قال علامات المومن...» و همان طور که برخی علماء در مورد مرسلات مرحوم صدوق قائل به اعتماد به روایات مرویه به لسان «قال» شده اند، می توان همین مطلب را در این روایت تطبیق داد. سه: عنایت دارید که علماء دین برای مقبول بودن روایات تنها نظر به سند آن ندارند بلکه شواهد دیگری را نیز مدّ نظر می آورند. چهار: موضوع اربعین امام حسین «علیه السلام» چیزی نیست که بخواهیم با یک روایت جایگاه آن را تعیین کنیم تا با فرض ضعیف‌السند بودن آن روایات موضوع، «کان لم یکن» قلمداد شود. با این همه بنده در این موارد خود را صاحب نظر نمی دانم و به سخنان علماء دین که آن‌ها را حدیث شناس می دانم استناد می کنم. به عنوان مثال می توانید به کتاب «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی» از آیت‌الله جوادی آملی در صفحه‌ی ۲۷ رجوع فرمایید که به این حدیث استناد نموده‌اند. موفق باشید